

## چند نکته پیرامون اهمیت استراتژیکی و آرمانی استقلال اقتصادی

نویسنده: فرشاد مؤمنی  
دانشگاه علامه طباطبائی

### □ طرح مسئله:

تولد اندیشه اقتصادی به صورت امروزی، وقوع انقلاب صنعتی و شروع فاصله گرفتن جدی کشورها از یکدیگر از جنبه‌های علمی و تکنولوژیکی به لحاظ تاریخی تقریباً همزمان بوده‌اند.

در زمینه چگونگی سازماندهی اقتصادی یک کشور، از همان اوائل پیدایش علم اقتصاد کلاسیک دو گروه عمده فکری همواره در مقابل یکدیگر صف‌آرایی نموده‌اند: گروه اول با ادعای وجود "دست نامرئی" در قالب الگوی تعادل پایدار، مدعی شدند که همسطح شدن اقتصادی و صنعتی کشورها با یکدیگر تنها از طریق برقراری اقتصاد آزاد و حاکمیت یافتن نیروهای عرضه و تقاضا میسر است. این الگو مدعی است که سیستم‌های اقتصادی بالذات، به سمت تعادل در حرکت هستند و هرگاه در مسیر حرکت به سمت تعادل ادعایی، اختلالی بروز نماید، در درون سیستم

نیروهایی وجود دارند که اختلالات را برطرف نموده و مسیر تعادل را هموار خواهند ساخت. در عرصه روابط اقتصادی بین‌المللی نیز تفکر مزبور همین مکانیزم را برقرار دانسته و به علاوه مدعی است که برقراری موازین اقتصادی لیبرال علاوه بر دستاوردهای اقتصادی از قبیل افزایش تولید و رفاه در سطوح ملی و بین‌المللی، منشأ دوستی، ایجاد وفاق بین‌المللی و از بین رفتن زمینه‌های جنگ و خونریزی را ذکر کرد. بر این اساس ادعا شده که با حاکمیت یافتن روابط سرمایه‌داری در جهان، زمینه هرگونه توسعه‌طلبی از بین رفته و بنابراین سرمایه‌داری ماهیتاً خصلت ضدامپریالیستی دارد!<sup>۱</sup>

بر اساس این الگوی فکری ادعا می‌شود که دادوستد، تمام قسمت‌های جهان متمدن را با رشته‌های منافع مشترک به هم می‌پیوندد و همه را به جامعه جهانی بزرگ و واحدی تبدیل می‌کند. به علاوه در هر داد و ستد میان دو کشور سود بیشتر نصیب آن کشوری می‌شود که به لحاظ طبیعی از امکانات کمتری برخوردار بوده و از جهت صنعتی عقب‌مانده‌تر است.<sup>۲</sup>

البته باید توجه داشت که رسیدن به مرحله پیشرفت و توسعه یافتگی بر اساس موازین یاد شده یک شرط اساسی دارد که عبارت از آن است که:

"اندیشه، احساس، عمل و شیوه تولید جوامع رشدنیافته عیناً همانند اندیشه، احساس، عمل و شیوه تولید کشورهای پیشرفته باشد و دقیقاً همان مسیری را که آنها طی کرده‌اند به صورت تقلیدی طی کنند."<sup>۳</sup>

نحوه تبیین مارکس از "مبادله" در سطوح مختلف و نحوه تلقی وی از استعمار و خوشبینی افراطی وی نسبت به تأثیرات مثبت استعمار در جهت همگن نمودن

1 - Schompeter, Joseph - A. Imperialism & Social Classes, New York, Augustus Kelly, 1951, P.44.

۲ - شارل ژید، شارل ریست، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، انتشارات دانشگاه تهران

کشورهای مستعمره با کشورهای استعمارگر و ارزیابی این گونه اقدامات با عنوان کارهای با خصلت انقلابی - گرچه با شیوه‌ای متفاوت و جدلی و با اتکاب به اصل تضاد و تئوری مرحله‌ای تاریخ<sup>۱</sup> - مشابهت اساسی با دیدگاه مذکور داشته و بنابراین به یک اعتبار، وی و همفکرانش را نیز بایستی در زمره این گروه در نظر گرفت.<sup>۲</sup>

گروه دوم با تأکید بر فرض بنیادین همگن بودن کشورهای درگیر در رقابت به عنوان اساسی‌ترین نکته قابل تأمل و مشروط‌کننده نتایج ادعایی دستگاه فکری قبلی صحت عملی دستاوردهای انتظاری تئوری لیبرال اقتصادی را بر اساس واقعیات موجود و عدم تطابق آنها با فرض مزبور مورد سؤال قرار می‌دهند. به گمان ایشان برقراری پی آمدهای ادعایی اقتصاد بازار و تجارت آزاد صرفنظر از آنکه هرگز اتفاق نیفتاده، صرفاً در کوتاه مدت آنها تحت شرایطی خاص معتبر بوده ولی نتایج درازمدت آن موجب می‌گردد که قدرت تولیدی کشورهای پیشرفته‌تر، توسعه یابد؛ در عین آنکه امکان توسعه‌یافتگی آن دسته از کشورهایی که دیرتر قدم در راه صنعتی شدن گذاشتند به شدت محدود شده یا کاهش یابد. بنابراین تأکید این گروه بر آن است که مادامی که فرض همگن بودن توان تولیدی همه کشورها صحت عملی نیافته هر کشور بایستی با توجه به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و ارزشی خود عمل نماید و با اتخاذ تدابیر مناسب و حمایت‌های اصولی از رشته‌هایی که در کوتاه مدت فاقد توانایی‌های لازم برای رقابت بوده و نسبتاً عقب افتاده‌اند آنها را همسطح کشورهای رقیب نموده و آسیب‌پذیری‌های ناشی از رقابت در شرایط نابرابر را به حداقل برسانند.

نویسنده مقاله "به سوی یک تئوری تقسیم کار صنعتی بین‌المللی" از قول یکی از نظریه‌پردازان این مکتب چنین می‌گوید:

1 - Stage Theory

۲ - نگاه کنید به مقاله مارکس تحت عنوان "نتایج آتی حکومت بریتانیا بر هند و همچنین نقل قول بان روکس برو در کتاب جامعه‌شناسی توسعه از وی در این زمینه - بررسی نظریه‌های توسعه نیافتگی ترجمه

"فردریک لیست ملاحظه کرد که اقتصاد بین‌المللی دارای یک ساخت سلسله مراتبی متشکل از سه دسته کشورهاست. بریتانیا با ساخت صنعتی پیشرفته در رأس این سلسله مراتب قرار داشت و می‌توانست فشار رقابتی خردکننده‌ای بر اقتصادهای کمتر پیشرفته که در مراحل ابتدایی فرآیند صنعتی شدن بودند داشته باشد.

در دسته دوم، وی کشورهایی را قرار می‌دهد که قابلیت دستیابی به درجه بلوغ صنعتی در مقایسه با بریتانیا را دارند، مشروط بر آنکه آنها برای محدود کردن تأثیر اقتصاد بریتانیا، سیاست‌گذاری‌های مناسب و مقتضی اقتصادی و تجاری را به کار برند. وی کشورهای ایالات متحده، فرانسه و آلمان را در این دسته قرار می‌دهد.

در دسته سوم کشورهایی قرار دارند که در منطقه حاره واقع هستند و شرایط طبیعی و آب و هوایی آنها اجازه رشد به فرآیند صنعتی شدن را نمی‌دهد!!! نقش دسته اخیر در تقسیم کار بین‌المللی این خواهد بود که در زمره تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی و مواد خام قرار گرفته از مزایای تجارت آزاد؟! بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود از دیدگاه گروه دوم - گرچه توسط فردریک لیست به صورت فرصت طلبانه‌ای صرفاً در محدوده کشورهای خاص مطرح شده - اندیشه و عمل خودی و بدست آوردن یک درک درست از واقعیات محیطی، منشأ بهبود وضعیت و به حداقل رساندن فاصله با پیشرفته‌ها می‌باشد.

نکته مهمی که فردریک لیست به آن اشاره دارد - و البته آن را در چهارچوب منافع اقتصادی آلمان محدود کرده - و این خود دلیل مهمی است بر بی‌پایه بودن توهم بیطرفی و جهان‌شمولی دستاوردهای نظری علم اقتصاد - آنست که به زعم وی تئوری اقتصادی لیبرال کالایی است که انگلستان آن را صرفاً به منظور صدور به کشورهای دیگر تولید کرده<sup>۲</sup> و از این موضع بر ضرورت برخورد هوشیارانه با آن تأکید می‌کند. نگاهی به تاریخ اقتصادی انگلستان نیز نشان می‌دهد که سخن وی چندان هم دور از

1 - Kimmo, Kiljuken - Towards a theory of international division of labor, world development,

Vol. 17 - No. 1, 1989

۲ - گروندر فرانک، آندره - جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی - ص ۸۶

واقع نبوده و علیرغم موازین اقتصاد کلاسیک و مدیحه‌سراییهایی که در آن نسبت به رابطه آزادی کامل اقتصادی و گسترش رفاه در سطوح ملی و بین‌المللی شده، اولین اقدام این کشور پس از انقلاب صنعتی ممنوع ساختن خروج ماشین‌آلات پیشرفته و نیروی کار ماهر انگلیسی از کشور مزبور بوده است.<sup>۱</sup>

هنگامی که به تاریخ اقتصادی گروه‌های مختلف کشورهای جهان مراجعه می‌شود ملاحظه می‌گردد که "در عمل" تمامی کشورهای پیشرفته، خط مشی گروه دوم را برگزیده و به آن عمل کرده‌اند.<sup>۲</sup> لیکن به همه کشورهای دیگر توصیه کرده و می‌کنند که برای بهبود وضعیت و جبران عقب‌ماندگی‌ها هر چه بیشتر سیاست آزادی اقتصادی را در عرصه‌های ملی و بین‌المللی پی‌جویی نمایند.

براساس شواهد موجود، کشور ژاپن یک دوران انزوای اقتصادی ۲۶۰ ساله را برای بدست آوردن حداقل توان لازم جهت درون‌زا نمودن علوم و تکنولوژی و اتکاء به خود طی کرده است.

این دوران برای انگلستان متجاوز از ۲۰۰ سال و برای آمریکا حدود ۱۰۰ سال ثبت شده است.<sup>۳</sup>

به علاوه علیرغم حملات شدید و غالباً با خصلت تبلیغاتی - ایدئولوژیکی نظریه‌پردازان اقتصاد سستی نسبت به آن دسته از کشورهایی که کوشش‌هایی را برای اتکاء به خود و خروج از تقسیم‌کار بین‌المللی تحمیلی ابرقدرت‌ها آغاز می‌نمودند و همچنین علیرغم پنهان ساختن اغراض و مطامع خویش در پشت پرده‌ای به نام موازین

۱ - مگ داف، هری - امپریالیسم (تئوری تاریخ، جهان سوم) ص ۱۵۷

2 - Taylor, Lance, Polonius Lectures Again ... Howneoliberal - Sermons wont solve the Economic Problems of the Developing world, Massachusetts institute of Technology, December, 1991, P, 22

تقی‌زاده محمد - ژاپن و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن - ص ۹

۳ - جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی پیشین، ص ۸۷

یکی از بهترین نمونه‌ها در این زمینه به زبان فارسی، ترجمه کتاب اقتصاد، نوشته پل سامولسن است.

"علمی" اقتصاد، شواهد تاریخی نشان می‌دهند که کوشش برای تئوریزه کردن استقلال در میان کشورهای پیشرفته حداقل ۱۵۰ سال سابقه دارد. یکی از ارزنده‌ترین این کوشش‌ها مربوط به نظریه پرداز مشهور عصر میجی (Meiji) در ژاپن یعنی "فوکوتساوایوکی شی" است. وی در یک فصل مستقل از کتاب خود به نام نظریه تمدن تحت عنوان "بحثی درباره استقلال ژاپن" چنین می‌گوید:

"... برخی مردم می‌گویند که اگر استقلال ملی تنها هدف ماست پس بهترین وسیله آن است که روابط خارجی خود را قطع کنیم... آنان دلیل می‌آورند که دلواپسی کنونی راجع به استقلال هیچگاه پیش از سال‌های دهه ۵۰ قرن ۱۹ احساس نمی‌شد. گشودن درهای کشور و سپس نگران شدن درباره استقلال کشور تفاوتی با آن ندارد که مرضی را به عمد بگیریم و سپس راجع به آن نگران شویم... من می‌گویم استقلال به قدرتی پرتحرک اشاره دارد که ما را قادر می‌سازد مستقل باشیم...

استقلال ژاپن پیش از آمدن خارجیان در حقیقت استقلالی بود عاری از چنین قدرت پرتحرکی... باد و باران شرایطی خارجی هستند اما استحکام خانه عاملی است داخلی."<sup>۱</sup>

لازم به تذکر است که کوشش برای تئوریزه کردن استقلال منحصر به قرن نوزدهم نبوده و در قرن بیستم نیز مادام که کشورهای اروپایی احساس می‌کردند به لحاظ علمی و تکنولوژیکی کمی از آمریکا عقب افتاده‌اند، تلاش‌های علمی برای تبیین تئوریک استقلال و به خصوص استقلال اقتصادی ادامه داشته است. نمونه برجسته این تلاش‌ها کتاب مشهور فرانسوا پرو اقتصاددان بزرگ فرانسوی به نام "استقلال اقتصادی" است.<sup>۲</sup>

۱ - یوکی شی - فوکوتساوا، نظریه تمدن، چنگیز بهلوان، ص ۳۰۱

۲ - تبیین تحلیلی و بسیار جالب آندره گوندر فرانک در کتاب توسعه توسعه نیافتگی در برزیل نیز در این مورد خواندنی است. ضمن آنکه در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰ نیز به مجرد اوج‌گیری نهضت حق‌طلبی کشورهای صادرکننده مواد خام و انرژی، به سرعت و گستردگی در ایالات متحده آمریکا یعنی بزرگترین منادی به اصطلاح آزادی اقتصادی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، بحث "استقلال اقتصادی" مجدداً مطرح می‌گردد. کتاب استراتژی برای فردا از آثار کلوب رم شواهد ارزنده‌ای را در این مورد مطرح کرده است.

## □ اهمیت دانش اقتصاد:

نتیجه مهمی که از مباحث پیشین بدست می‌آید آن است که بر اساس تجربه تاریخی می‌توان گفت ریشه تمامی مشکلات کشورهای توسعه نیافته آن است که در تقسیم کار بین‌المللی "تفکر" درباره مسائل خودشان را به کشورهای پیشرفته واگذار کرده‌اند و گمان برده‌اند که با این واگذاری، از نظر زمانی می‌توان صرفه‌جویی کرد! و می‌توانند با تقلید از پیشرفته‌ها و تن دادن به توصیه‌های به ظاهر علمی آنها راه به جایی ببرند.

"در فوریه ۱۹۷۹ عده‌ای از کارشناسان آفریقایی به دعوت سازمان وحدت آفریقا برای بحث و گفتگو درباره موضوع ارزیابی تجربه‌های ۲۰ سال استقلال و رایزنی و بحث درباره ۲۰ سال آینده در مونروویا پایتخت لیبیا گردهم آمدند. بیشتر شرکت‌کنندگان اقتصاددان بودند ولی بحث‌ها غالباً درباره مسائل فرهنگی دور می‌زد. این کنفرانس سرانجام چنین نتیجه گرفت که مهمترین عامل ناکامی کشورهای آفریقایی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی این است که رهبران این کشورها تا کنون با روش خودپسندانه و غیرمردمی کوشیده‌اند تا از الگوهای رشد کشورهای صنعتی تقلید کنند ...، در آنجا مسئله رشد درونزا مطرح شد."<sup>۱</sup>

از آن به بعد رشد و توسعه درونزا توسط اغلب نظریه‌پردازان جهان سومی با دو ویژگی اساسی معرفی گشته است که در کتاب خط‌مشی‌هایی برای توسعه درونزا به ترتیب زیر معرفی می‌گردند:

- ۱ - از جنبه وسایل و ابزارها، بایستی از "درون" هر جامعه نشأت بگیرد
- ۲ - از جنبه غایت و هدف بایستی در خدمت "انسان‌ها" باشد.<sup>۲</sup>

در چارچوب مباحث مربوط به توسعه درونزا و در راستای ریشه‌یابی اصلی‌ترین دلایل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم، تلقی نادرست سیاست‌گزاران این جوامع از انتقال علوم و تکنولوژی در طی سال‌های اولیه پس از کسب استقلال

سیاسی در مرکز توجهات قرار گرفت و چنین نتیجه‌گیری شد که بایستی این باور در میان تمامی محافل علمی و سیاست‌گذاری کشورهای جهان سوم وجدان شود که علوم و فنون چیزهایی نیستند که "قابل خرید و فروش" باشند. "شناخت علمی" را نمی‌توان وارد کرد، بنابراین بایستی در خود هر کشور بوجود آید و خصلت درونزا داشته باشد و همچنین از فعالیت پژوهشی افراد بومی و متناسب با ارزش‌های فرهنگی جامعه ریشه گرفته باشد. البته این باور به هیچ روی با موضوع همکاری علمی میان کشورها منافات نداشته بلکه بر عکس خواهان آن است؛ ولی میان همکاری علمی و واردات علوم و تکنولوژی بی توجه به شرایط محیطی که باید این علوم و تکنولوژی در آن بکار گرفته شود تفاوت زیاد است.<sup>۱</sup>

حاصل یکی از جالب‌ترین کوشش‌هایی که از سوی سازمان یونسکو سازماندهی شده و طی آن از تنی چند از نظریه‌پردازان جهان سوم دعوت به عمل آمده بود که به ریشه‌یابی مسائل کشورهای جهان سوم و یافتن کارآمدترین راه‌حل‌ها پردازند، در دو کتاب به نام‌های "خط‌مشی‌هایی برای توسعه درونزا" و "سلطه یا مشارکت" جمع‌آوری شده است. در یکی از اصلی‌ترین مقالات این مجموعه در کتاب "سلطه یا مشارکت" نشان داده شده است که در میان کلیه علوم و فنونی که به کشورهای جهان سوم به اصطلاح "منتقل" می‌شوند، انتقال دانش اقتصاد با شیوه‌های کنونی یکی از بزرگترین موانع رفع عقب‌ماندگی این کشورهاست و گفته شده است که مادام که شیوه کنونی انتقال دانش مزبور تغییر نکند فائق آمدن بر مشکلات اساسی و بنیادین موجود در کشورهای ضعیف، امری محال و ناشدنی خواهد بود.<sup>۲</sup>

مهمترین دلایلی که ادعای مزبور را اثبات می‌نماید عبارتند از:

- ۱) اینکه دانش اقتصاد علم "انتخاب" و "تخصیص" منابع هر کشور است.
- ۲) داعیه‌های جهان شمولی و بی‌طرفی دستاوردهای تئوریک اقتصاد، در



کشورهای در حال توسعه از دانش اقتصاد نوعی ایدئولوژی تقلید و تسلیم ساخته است.

۳) پنهان‌سازی اغراض و اهداف نظریه‌پردازان موجب اغواگری و فریب کارشناسان جهان توسعه نیافته شده است و اغلب تحلیل‌های کارشناسی در این کشورها ناخودآگاه با تعمیم شرایط کشورهای پیشرفته همراه با بی‌اعتنایی نسبت به شرایط و ویژگی‌های خودی ارائه می‌گردد.

نتیجه عملی ترکیب مجموعه عوامل مزبور موجب می‌گردد که در کشورهای توسعه‌نیافته نظام تصمیم‌گیری دچار "آگاهی کاذب شده"<sup>۱</sup> و از موضع شرایط کشورهای پیشرفته که زادگاه دانش مزبور و صادرکننده موازین تئوریک آن هستند اقدام به تصمیم‌گیری و تعیین اولویت‌ها در زمینه تخصیص منابع در کشورهای ضعیف نمایند.

همانطور که می‌دانیم رفتار انسان بر اساس شناخت و معرفت وی صورت می‌پذیرد و روابط او با دنیا و سایر انسان‌ها به آنچه که از طبیعت و جامعه می‌شناسد بستگی دارد<sup>۲</sup> و بنابراین "عنصر فکری" و نحوه تربیت فکری افراد، نقش بااهمیت و تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند. زیرا استنباط و برداشتی خاص از واقعیت‌ها به راحتی می‌تواند در تمامی ارکان جامعه، نهادها و حتی اشکال خصوصی زندگی اشاعه یافته و بر سلیقه‌ها، اخلاقیات و حتی سنن و اصول سیاسی و به طور کلی در همه شئون و روابط اجتماعی سایه خود را بگستراند.<sup>۳</sup>

در میان عناصر مؤثر در ایجاد تلقی‌های خاص از هر مسئله، نظام آموزشی و علمی که از کانال این نظام، آموزش داده می‌شوند از اهمیت استثنایی برخوردار است.<sup>۴</sup> زیرا آنچه که به نام علم در جامعه‌ای پذیرفته می‌شود، بخش مهمی از سرمایه

1 - False Consciousness

۲ - روشه‌گی، تغییرات اجتماعی، دکتر منصور وثوقی، ص ۷

۳ - برمن - ادوارد - کنترل فرهنگ، ترجمه حمید الیاسی ص ۴۸ و ص ۲۵۰

۴ - جان کنت گالبریت یک مقایسه میان ویژگی‌های عنصر تبلیغات و تفاوت‌های آن با عنصر آموزش به ←

فرهنگی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. این دانش همچنین هنجارهای فکری جامعه را نیز تا حدودی معین می‌کند و نیز تصمیم‌گیری رهبران سیاسی هر کشور آگاهانه یا ناآگاهانه بر اساس این هنجارها انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین اصل موضوع اهمیت استثنایی دانش اقتصاد به لحاظ آنکه با مسئله انتخاب و تخصیص منابع محدود در هر جامعه سر و کار دارد، به این اعتبار کاملاً می‌تواند مورد قبول واقع شود. اما اهمیت داشتن غیر از خصلت آسیب‌زندگی شیوه کنونی انتقال دانش اقتصاد است و اینجاست که بحث از داعیه‌های علم اقتصاد و شیوه‌های انتقال آن به کشورهای جهان سوم و از جمله ایران به صورت جدی قابل طرح است. مایکل تودارو داعیه‌های علم اقتصاد را از زبان میردال چنین نقل می‌کند:

“نظریه پردازان اقتصادی بیش از هر دانشمند علوم اجتماعی مدت مدیدی است که به اصولی عام رسیده‌اند و این اصول را برای هر زمان، مکان و فرهنگی معتبر دانسته‌اند.”<sup>۲</sup>

در کتاب تاریخ عقاید اقتصادی نیز در توجیه داعیه جهان‌شمولی تئوری اقتصادی این چنین آمده است:

“به زعم نظریه پردازان مکتب سرمایه‌داری از آنجایی که حواج اولیه آدمیان در همه جا و در همه وقت یکسان است قوانین کلاسیک اقتصاد سرمایه‌داری، جهانی و همیشگی خواهد بود.”<sup>۳</sup>

تئودور شولتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد نیز استدلال دیگری برای اثبات صحت این داعیه ذکر کرده که خواندنی است. وی معتقد است که چون همه جوامع با مسئله

→ عمل آورده و با تأکید بر وجوه تمایز این دو تصریح می‌کند که وسیله آموزشی برای دست یافتن به اعتقاد مردم در مقایسه با آگهی تبلیغاتی از نظر اجتماعی به مراتب نامرئی‌تر، کم‌هزینه‌تر، خوشنام‌تر و معتبرتر است. (گالیریت، ج. کنت - کالبدشناسی قدرت - ترجمه دکتر احمد شهما - ص ۵۹)

۱ - برمن - ادوارد - کنترل فرهنگ، ترجمه حمید الیاسی ص ۴۸ و ص ۲۵۰

۲ - تودارو - مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم ج ۱، ترجمه دکتر فرجادی، ص ۴۷

۳ - شارل ژید - شارل ریست، تاریخ عقاید اقتصادی ص ۵۶۶

کم‌بایی روبرو هستند بنابراین دستاوردهای نظری علم اقتصاد در همه جوامع مصداق خواهد داشت.<sup>۱</sup>

اما میردال از دیدگاه جامعه‌شناسی علم، بحثی را درباره ویژگی‌های علم اقتصاد سستی مطرح می‌سازد که قابل تأمل است :

"اگر مسئله از زاویه جامعه‌شناسی علمی مورد توجه قرار گیرد از آنجا که اندیشه اقتصادی، در مدت‌های طولانی تقریباً به نحو منحصر به فرد در داخل سیستم اجتماعی کشوری که در آن عصر پیشرفته محسوب می‌شد - یعنی انگلستان - تکوین یافته، نتیجتاً ضربه شدیدی خواهد خورد و یکباره فرو خواهد ریخت. بعدها این تئوری به وسیله تئوریسین‌هایی تکمیل شده است که تقریباً بدون استثناء متعلق به چند کشور پیشرفته اقتصادی بوده‌اند... غرض این است که تئوری اقتصادی به صورتی که رشد و تکامل یافته و به وضع امروزی رسیده تا حدود معینی وسیله‌ای برای توجیه منافع و الهامات و خواست‌های کشوری است که این تئوری در آن محل نشو و نما و تکامل یافته است."<sup>۲</sup>

اما مسئله این است که این "جهت‌دار" بودن و "حامل منافع و اغراض" خاص بودن تلاش‌های تئوریک اقتصادی نه تنها به هیچ وجه اعلام نمی‌گردد بلکه با تمسک به انواع شیوه‌ها - گرچه به دلایل گاه متفاوت - سعی در پنهان ساختن اغراض و اهداف نیز می‌شود. میردال در مورد این مسئله چنین می‌گوید :

"یک علم اجتماعی بی‌طرف هرگز وجود نداشته و هیچگاه نیز وجود نخواهد داشت. بی‌طرفی در علوم اجتماعی به دلایل منطقی غیرممکن است زیرا هر نظر خاص از یک نظرگاه خاص برمی‌خیزد و بنابراین پژوهش علمی مانند هر اقدام عقلایی دیگر نمی‌تواند بی‌طرف باشد. جهت‌گیری‌ها و دیدگاه‌ها، علائق ما به موضوع مورد بررسی" را معین می‌کند و ارزش‌گذاری‌ها از طریق انتخاب روش، گزینش مسائل، تعریف

۱ - شولتز، تئودور، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی، ترجمه دکتر محمود متوسلی،

مفاهیم و همچنین جمع‌آوری شواهد به پژوهش راه می‌یابد و به هیچ وجه محدود به استنتاجات عملی یا سیاسی مستخرج از یافته‌های نظری نیست. اما آن چیزی که زمینه‌ساز مشکل می‌شود و موجبات عدم توجه و انحراف اذهان را فراهم می‌سازد این است که زیرساخت ارزشی که عملاً و ضرورتاً نگرش ما را بر علوم اجتماعی معین می‌کند قابل کتمان است.<sup>۱</sup>

شومپتر با تأکید بر دخالت داشتن ارزش‌های ایدئولوژیک در تبیین‌های ثوریک اقتصادی و پنهان شدن آنها به واسطه بکارگیری یک سلسله مفاهیم مجرد، اشکال مزبور را یکی از جنبه‌های اساسی بحران موجود در علم اقتصاد دانسته و می‌گوید اگر در تشریح و بکارگیری این نظریه‌ها به ساختار بنیادین و کارکردهای خاصی که بنای این نظریات است توجه نشود، در آنصورت تشریح و تبیین این نظریات، عملی لغو و بی‌فایده خواهد بود و لذا یکی از جنبه‌های مهم فائق آمدن بر بحران در علم اقتصاد را بدست آوردن قدرت کافی جهت تشخیص کاربردهای قضایای علمی اقتصاد از آئین‌های فلسفی آن ذکر می‌کند.<sup>۲</sup>

جون رابینسون نیز پا را از این فراتر نهاده و اساساً هدف از مطالعه اقتصاد را در آموختن اینکه چگونه از فریب خوردن بدست اقتصاددانان اجتناب و رژیم اعلام می‌کند.<sup>۳</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## □ اقتصاد ایران و دانش اقتصاد:

بحث درباره پیامدهای بی‌توجهی به این مسائل به هنگام انتقال دانش اقتصاد و اثرات آن بر سرنوشت اقتصادی ایران طبعاً بحثی بسیار گسترده است و حداقل یک دوره زمانی متجاوز از ۲۰۰ سال را باید دربرگیرد، بنابراین صرفاً به طرح این مسئله

۱- کتاب "کنترل فرهنگ" - پیشین، ص ۱۸۷ نقل از :

Gunnar Myrdal, Asiandrama, ... Vol 1 - (Harmondsworth : Penguin books, 1968), P.12

۲- فصل‌نامه "برنامه و توسعه" شماره ۲ مقاله بحران در علم اقتصاد - ژوزف شومپتر

۳- علی رهنما و دیگران - سرمایه‌داری در بوته نقد، ص ۱۹

اکتفا می‌گردد که آنچه عملاً در ایران بر اساس الگوهای ذهنی وارداتی اتفاق افتاده این است که در بسیاری از بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، مسائل بسیار مهم، بی‌اهمیت تلقی گشته و بر عکس مسائل پیش پا افتاده بسیار مهم ارزیابی شده است.

بی‌گمان از دیدگاه تاریخ اقتصادی، پی‌جویی ادعای مزبور شواهد بی‌شماری را در معرض دید پژوهشگر قرار می‌دهد که نیازمند کتابی مستقل خواهد بود اما از آنجایی که یکی از مهم‌ترین حوادث چند ساله اخیر کشورمان در عرصه‌های فکری و اقتصادی تدوین اولین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور بوده است سعی می‌کنیم با طرح مثال‌هایی از این برنامه، مسئله را روشن‌تر سازیم.

#### مثال اول:

یکی از مهم‌ترین پایه‌های استدلالی تدوین‌کنندگان کتاب پیوست قانون برنامه پنجساله اول در نقد عملکرد اقتصادی کشور در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استناد به روند نزولی نرخ رشد تولید ناخالص ملی کشور بوده است.

همانطور که می‌دانیم شاخص تولید ناخالص ملی، علیرغم همه انتقادهایی که بر آن وارد شده برای کشورهای پیشرفته تا حدود زیادی می‌تواند بیانگر نحوه عملکرد اقتصاد باشد؛ به طوری که اگر شاخص مزبور "رشد" نشان دهد، احتمالاً می‌تواند به عنوان علامت بهبود وضعیت تلقی گردد و بر عکس روند نزولی آن نیز می‌تواند علامت بروز بیماری و ناکارآمدی در سیستم دانسته شود. اما همین شاخص هنگامی که برای اقتصادی با خصلت تک‌محصولی و وابستگی‌های عمیق علمی و فنی مورد استفاده قرار می‌گیرد نمی‌تواند راهنمای خوبی برای نشان دادن واقعیت‌های اقتصادی به شمار آید.

بر اساس گزارشی که در سازمان برنامه و بودجه - یعنی سازمان متولی تدوین نهایی برنامه پنجساله اول - تهیه شده است تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در کشورمان از حدود ۳۹۲۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به رقم ۲۵۸۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ می‌رسد. بیشترین سهم از کاهش فوق‌الذکر را بخش "نفت" داشته است. ارزش افزوده این بخش از حدود ۱۳۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۲۷۳ میلیارد

ریال در سال ۱۳۶۰ رسیده است.<sup>۱</sup>

همانطور که ملاحظه می‌شود اگر ما از موضع یک انگلیسی، آمریکایی یا آلمانی که با علم اقتصاد آشنایی دارد با این پدیده روبرو شویم، به واقع بایستی این روند را نوعی قهقرا و پس‌رفت ارزیابی کنیم. اما اگر از موضع یک ایرانی که مسلح به عینکی ملی و خودی برای دیدن مسائل اقتصادی ایران است با همین مسئله روبرو شویم آیا باز هم همانطور نتیجه‌گیری خواهیم کرد؟ یا بر عکس این کاهش که در واقع کاهش اتکاء به تولید و صدور نفت خام است را یک دستاورد درخشان و افتخارآفرین ارزیابی می‌کنیم؟ اگر اینگونه به مسئله نگاه بکنیم متوجه خواهیم شد که کاهش در تولید ناخالص ملی در سال‌های بعدی نیز یا به همین سان مایه افتخار است و یا به عوامل برون‌زا بازگشت دارد که ربطی به نظام سیاست‌گذاری کشور و نحوه جهت‌گیری‌های آن ندارد.

### مثال دوم:

وابستگی در کلیت خود به عنوان یکی از رنج‌آورترین مسائل و مشکلات اقتصادی ایران قابل طرح است. این عارضه به خصوص در بخش صنعت کشور به واسطه آنکه مستقیماً منشأ مصرف قابل توجه ارز نفت می‌شود بیشتر به چشم می‌آید. البته بحث درباره انواع و ویژگی‌ها و پایه‌های تئوریک و وابستگی، خودنیازمند یک تحقیق مفصل جداگانه است ولی به هر حال در یک کوشش آگاهانه برای حل مسائل کشور، سلطه‌شناسی یکی از ضروری‌ترین اقداماتی است که هرگونه بی‌توجهی به آن منشأ عوجاجات عمیق معرفت‌شناختی و اتخاذ تصمیمات نادرست و آسیب‌زننده به کشور خواهد شد. مستقل از این بحث‌ها، بر اساس آمارهای موجود روند اتکاء به مواد و ماشین‌آلات خارجی به عنوان یکی از جنبه‌های وابستگی، از رقمی کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ با سرعت به حدی رسید که فقط در بخش صنعت مجموع

۱ - گزارش بررسی آثار سیاست‌های تثبیت و شناور ساختن نرخ برابری ریال به وسیله یک مدل

دینامیک، دفتر اقتصاد کلان، معاونت امور اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه

ارزش کل واردات کشور طی دوره برنامه پنجم رژیم دست‌نشانده سابق به رقم حیرت‌انگیز ۵۰ میلیارد دلار بالغ گردید.<sup>۱</sup>

به واسطه روند مزبور بر اساس تحقیقی که در سازمان برنامه صورت گرفته ضریب وابستگی در صنایع سرمایه‌ای کشورمان ۷۶٪، در صنایع مصرفی بادوام ۶۵/۵٪، در صنایع واسطه‌ای سرمایه‌ای ۵۴/۶٪، در صنایع واسطه‌ای مصرفی ۴۷/۲٪ و در صنایع مصرفی بی‌دوام ۳۸/۷٪ بوده است.<sup>۲</sup>

بدون شک در یک برنامه‌ریزی اصولی، مواجهه با چنین ضعف بزرگی یک ضرورت حتمی است و با توجه به خصلت باز تولید وابستگی که نمایانگر پویایی و تحرک و پیشرفت این عارضه در باتلاق وابستگی است، رویارویی با آن جنبه اضطراری پیدا می‌کند. چرا که اگر با این عارضه به صورت اصولی برخورد نشود، مرتباً این مرض به صورت سرطانی پیشرفت کرده و هر وابستگی پیشین، خود منشأ وابستگی‌های جدیدتری می‌گردد.<sup>۳</sup>

با کمال تأسف در برنامه پنجساله اول کشور از موضوعی با این درجه از اهمیت به سادگی عبور شده و درباره این مسئله حیاتی نیز از موضع اقتصادهای مسلط و به کلی بیگانه با مسائل اقتصادی ایران برخورد شده است. بنابراین از شاخص‌هایی برای نشان دادن بهبود وضعیت استفاده شده که در کشورهای پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. همانطور که می‌دانیم برای یک کشور مسلط، مسئله وابستگی به گونه‌ای که برای ما مطرح است وجود ندارد. در یک کشور با مبانی علمی و فنی درونزا، مبادله تکنولوژی یک مسئله عادی است و نظر به وجود پایه‌های علمی و نظام تحقیق و توسعه کارآمد، امکان اخذ و جذب تکنولوژی‌ها از طریق انتقال ماشین‌آلات و برگزاری چند دوره آموزشی به راحتی وجود دارد.

۱- صنایع ایران و وضع موجود آن، سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۵

۲- صنایع ایران و وضع موجود آن، پیشین ص ۹۳

۳- بر اساس مندرجات گزارش نتایج تداوم روند وضع موجود صنایع و استمرار وضعیت کنونی در بخش صنعت به طور میانگین سالانه ۱۴٪ بر عمق وابستگی صنعتی ایران افزوده می‌شود.

کشورهای پیشرفته در مورد مواد اولیه مورد نیاز نیز به واسطه برخورداری از قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی و همچنین پول‌های قوی و مسلط به هیچ وجه احساس مشکل نمی‌کنند، در حالی که برای یک کشور وابسته و توسعه‌نیافته، آنچه که به نام انتقال تکنولوژی صورت می‌گیرد، یکی از مهمترین کانال‌های نهادی و درونی شدن وابستگی می‌تواند باشد. با توجه به جملات زیر از پیوست قانون برنامه، شدت دور بودن از واقعیات صنعت ایران به وضوح ملاحظه می‌گردد:

"با توجه به استراتژی توسعه صنعتی کشور در این برنامه دایر بر اصلاح ساختار تولید صنعتی در جهت افزایش مستمر سهم کالاهای سرمایه‌ای و اتکاء بیشتر تولید صنعتی به منابع داخلی تولید، اکثر کالاهای سرمایه‌ای در طول سال‌های برنامه از رشدهای تولیدی بسیار بالایی برخوردار خواهند بود ... به طور کلی از مجموع هزینه‌های ارزی تولید در بخش صنعت طی این برنامه معادل ۳۰/۱٪ (۵۸۹۵ میلیون دلار) صرف تأمین نیازهای مواد اولیه، واسطه، و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های تولیدکننده ماشین‌آلات و تجهیزات سرمایه‌ای خواهد شد."<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود که اصلاح ساختار تولید صنعتی از دید برنامه اول یعنی تخصیص ارز بیشتر به تولید کالاهای سرمایه‌ای از طریق ماشین‌آلات وارداتی و اتکاء بیشتر تولید صنعتی به منابع داخلی نیز یعنی هزینه کردن ارز نفت به عنوان یک منبع داخلی به منظور انتقال بیشتر ماشین‌آلات از کشورهای پیشرفته به ایران. به عبارت دیگر، صرف انجام عمل تولید صنعتی در قلمرو جغرافیایی ایران، مستقل از میزان توان علمی - فنی خودی، "اصلاح ساختار" ارزیابی شده است، در حالی که بر اساس یکی از گزارش‌های مشتمل از سوی سازمان برنامه، ضریب وابستگی صنایع سرمایه‌ای در کلیت آن در کشورمان ۷۶٪ است و این ضریب در محوری‌ترین صنایع وابسته در میان صنایع سرمایه‌ای به ترتیب عبارتند از: صنعت وسایل راه‌آهن، با ۹۶/۲٪ وابستگی - صنایع ساخت موتور و توربین با ۹۳/۲٪ وابستگی - صنایع ساخت ماشین‌آلات صنعتی با ۸۰/۶٪ وابستگی و صنایع ساخت وسایل نقلیه موتوری با



۷۴/۸٪ وابستگی.<sup>۱</sup>

بنابراین واردات ماشین آلات از خارج، مستقل از پایه‌های علمی و فنی درونزا، حتی اگر موجب آن شود که علیرغم این میزان از وابستگی رشدهای پیش‌بینی شده برای بخش صنعت در برنامه محقق شود، نه تنها معنای بهبود وضعیت نمی‌تواند داشته باشد بلکه فی الواقع بایستی آن را نوعی پیشروی در باتلاق ارزیابی کرد. اما این مسئله علیرغم اهمیت استثنایی آن، چون در تفکر وارداتی اقتصادی به واسطه تعلق آن به پیشرفته‌ها نادیده گرفته شده از دید برنامه‌ریزان ما نیز مخفی مانده است.

\* \* \*

پس ملاحظه می‌گردد که وقتی از سوی برخی نظریه‌پردازان گفته می‌شود که کوشش برای محقق ساختن استقلال سیاسی و اقتصادی مستلزم به زیر سؤال بردن الگوهای مسلط فرهنگی و فکری به عنوان اولین قدم در جهت خلاقیت داخلی است<sup>۲</sup> سخنی به‌گراف گفته نشده است.

### □ کوشش در راه "استقلال"، یک واجب عینی:

شاید عده‌ای گمان بر آن داشته باشند که کوشش برای محقق ساختن استقلال در تمامی ابعاد مطرح شده در قانون اساسی کشورمان، صرفاً یک تلاش آرمان‌گرایانه است و اگر آنطور که باید نسبت به این مسئله حساسیت نشان داده نشود، نهایت برآشفت و اعتراض کرد! چرا که این اهمال و سستی صرفاً موجب بروز تأخیر و وقفه زمانی در محقق ساختن یک آرمان است و مشکل خاصی برای ما ایجاد نخواهد کرد. ادله متعددی وجود دارد که بر اساس ویژگی‌های اقتصاد ایران و نظم کنونی حاکم بر جهان، قضیه بسیار فراتر از یک آرمان‌گرایی صرف بوده و به تدریج از صورت

یک ضرورت حتمی نیز خارج گشته و شکل یک مسئله اضطراری برای حفظ نظام را به خود می‌گیرد. این مسئله با نگاهی اجمالی به روندهای آتی برخی متغیرهای اقتصادی و استدلال‌هایی که در پس هر کدام وجود دارد بهتر درک خواهد شد:

## □ الف) دلایل خارجی:

### □ الف - ۱) تکرار تجربیات گذشته

در خلال مباحث قبلی مشخص گردید که از ابتدای انقلاب صنعتی، آنچه که در کشورهای پیشرفته عمل شده با آنچه که تئوریزه گشته و به نام علم به کشورهای ضعیف صادر شده از جهاتی به کلی متفاوت است.

بر اساس شواهد موجود، شباهت‌های عجیبی میان وضعیت کنونی جهان از این نقطه نظر با سال‌های اولیه پس از انقلاب صنعتی وجود دارد. به این معنی که در حال حاضر نیز همزمان با ترویج پرهیاهوی موازین جدید لیبرالیسم اقتصادی همراه با استفاده از همه اهرم‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در جهت اعمال فشار بر کشورهای ضعیف به منظور آزادسازی کلی اقتصادی، در خود کشورهای پیشرفته کوشش‌های فکری جدیدی به سرعت در حال گسترش است تا ضرورت حمایت‌گرایی را برای خودشان تئوریزه نماید. یکی از جالب‌ترین این کوشش‌ها مقاله بالدوین است که تحت عنوان "اقتصاد سیاسی خط‌مشی تجاری" به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

همچنین "گیدواشوف" در مقاله "رانت جویی" چنین می‌نویسد:

"واگنر با استناد به مقاله خط‌مشی‌های تجاری در کشورهای پیشرفته نوشته بالدوین هفت مدل توسعه یافته در چهارچوب اقتصادشناسی سیاسی جدید را برای توضیح حمایت‌گرایی کشورهای صنعتی نام می‌برد که مدل گروه ذینفع که مفهوم رانت جویی

1 - Baldwin, Robert. E. The Political Economy of trade Policy. Journal of Economic Perspective

بر آن متکی است فقط یکی از آنهاست.<sup>۱</sup>

شواهد عملی موجود نشان می‌دهد که غفلت جهان توسعه‌نیافته، از ابتدای انقلاب صنعتی تاکنون، برای ایشان هزینه‌ای گزاف داشته و اگر بخواهیم یک ارزیابی از نتایج بدست آمده برای کشورهای توسعه‌نیافته از تجربه‌های پیشین ارائه دهیم، شاید مناسب‌ترین آنها استناد به یکی از آخرین گزارش‌هایی است که توسط آنکناد منتشر گردیده و نشان می‌دهد که شدت فاصله میان کشورهای پیشرفته و توسعه‌نیافته به حدی رسیده است که کشورهای توسعه‌نیافته اگر بخواهند بر اساس آهنگ فعلی رشد اقتصادی خود به درآمد سرانه آمریکا در سال ۱۹۸۰ برسند به زمانی حدود ۲۴۰۷ سال نیاز دارند. این زمان برای کشورهای فقیرتر ۶۰۰۷ سال محاسبه گردیده است.<sup>۲</sup> بنابراین عقل سلیم ایجاب می‌کند که با توجه به نتایج ساده‌اندیشی‌های گذشته نسبت به موج جدید ترویج لیبرالیسم برای دیگران در عین کوشش برای تئوریزه کردن حمایت‌گرایی برای خود از سوی کشورهای پیشرفته، توسعه‌نیافته‌ها و به خصوص طراحان برنامه توسعه در کشورمان هوشیاری بیشتری به خرج دهند.

#### □ الف - ۲) دهه ۱۹۹۰ - دهه حمایت‌گرایی

علاوه بر آنکه در عرصه نظری، کوشش‌های جدی برای تبیین تئوریک ضرورت حمایت‌گرایی صورت می‌پذیرد، با استناد به شواهد عینی کوشش برای محقق ساختن جنبه‌های عملی حمایت‌گرایی را نیز در ابعاد گسترده‌ای می‌توان ملاحظه نمود.

دانیل برتون یکی از استراتژیست‌های آمریکایی در یک ارزیابی انتقادی از سیاست‌های آزادسازی دولت آمریکا در زمینه صنایع مصرفی الکترونیکی خاطر نشان می‌سازد که بازار صنایع الکترونیکی مصرفی تا سال ۱۹۷۰ کاملاً در اختیار کارخانجات آمریکایی بود، در حالی که به فاصله ۱۵ سال این نسبت از متجاوز از ۹۰٪ در بعضی از زمینه‌ها به حدود ۱٪ رسیده است! بر اساس نوشته وی تصمیم به

۱- گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی شماره ۱۰۲، ص ۲۸

۲- مجله کیمیا، شماره ۳، فروردین ۱۳۶۹

رها کردن بازار کالاهای الکترونیک مصرفی در دهه ۷۰، در دهه ۸۰ گریبان صنعت الکترونیک آمریکا را گرفت. به نظر او آزادسازی صنایع الکترونیک مصرفی در آمریکا ارتباط میان صنایع الکترونیک دارای تکنولوژی معمولی و صنایع با تکنولوژی عالی را به حساب نیاورده بود و از این جهت دچار خسارت‌های جدی شد. وی سپس با طرح این مسئله که درست در همان زمان که این صنایع در آمریکا به واسطه آزادسازی تجاری پس‌رفت خود را آغاز کرد، وزارت تجارت بین‌المللی و صنایع ژاپن با توسل به انواع سیاست‌های حمایتی به کمپانی‌های ژاپنی کمک کرد تا صنایع الکترونیکی و تکنولوژی اطلاعات را توسعه بخشند، می‌افزاید اقدام حمایتی ژاپن به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در سیاست‌های بخش عمومی، حمایت‌گرایی را به عنوان یک ضرورت مسلم برای جبران عقب‌ماندگی‌ها مطرح ساخته است.<sup>۱</sup>

روندهای کنونی اقتصاد جهان نشان می‌دهد که دایره شمول حمایت در میان تعدادی از کشورهای پیشرفته مرتباً از مرزهای ملی فراتر رفته و به بلوک‌بندی‌های جدید اقتصادی منتهی گشته است. تشکیل جامعه اروپای متحد، ایجاد بلوک آمریکا - کانادا - مکزیک، تشکل کشورهای حاشیه اقیانوس آرام و بحث‌هایی که در زمینه یکپارچگی اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین می‌شود، همگی حکایت از این مسئله دارند. از آنجایی که هر بلوک اقتصادی خواهد کوشید تا سخت‌ترین موانع حمایتی را بر سر راه کشورهای غیر عضو قرار دهد، چشم‌اندازهای آتی برای کشورهای ضعیف بسیار نگران‌کننده است و اگر کشورهای ضعیف شرایط اضطراری ایجاد شده در این اوضاع و احوال را به درستی و به موقع درک نکنند، یقیناً بایستی خود را آماده تحمل فشارهای شدیدتری بنمایند.

با توجه به شدت وابستگی و بنابراین آسیب‌پذیری‌های فراوان ایران از متغیرهای اقتصادی بین‌المللی، ضرورت توجه به این مسئله برای کشورمان بسیار حیاتی تر بوده و بی‌توجهی به این روندها می‌تواند منشأ خسارت‌های جدی‌تری برای اقتصاد ایران باشد.

1 - DANIEL, F. BURTON, Technology & Competativeness a new policy frontier - Foreign

## □ الف - ۳) روندهای آتی علوم و تکنولوژی

کشورهای توسعه نیافته در عرصه روابط تجاری و بین المللی خود با کشورهای پیشرفته از سه تکیه گاه عمده برخوردار بوده اند که به ترتیب عبارتند از: نیروی کار - منابع زیرزمینی - انرژی

روندهای آتی علوم و تکنولوژی نشان می دهد که جهان صنعتی با سرعت هر چه بیشتر مصمم است اتکاء خود را به سه منبع مزبور تا سرحد ممکن کاهش دهد. در مورد استفاده از نیروی کار، روند اتوماسیون فرآیند تولید و به حداقل رساندن نیاز به نیروی کار انسان فوق العاده پرشتاب است و بحث بر سر این است که تا پایان قرن بیستم میزان دخالت انسان در کل فعالیت های تولیدی به صفر برسد.

نویسنده کتاب جهان به کجا می رود با طرح این مسئله اظهار می دارد که در طی چند دهه گذشته حتی یک مورد نیز وجود نداشته که تکنولوژیست های ژاپنی قولی بدهند و به آن عمل نکنند. بنابراین اظهار می دارد که ادعای مزبور را باید جدی گرفت.<sup>۱</sup>

در مورد منابع زیرزمینی اکنون بحث از آن است که یک اکوسیستم صنعتی به تقلید از اکوسیستم بیولوژیکی ساخته شود. همانطور که می دانیم در اکوسیستم بیولوژیکی، گیاهان طبیعی ترکیبات غذایی گیاه خواران را تأمین می کنند و گوشتخواران از گیاه خواران تغذیه می کنند و سرانجام ضایعات و لاشه گوشتخواران گونه های دیگری از گیاه خواران را تغذیه می کند. بر این اساس در نظر است که ساختارهای صنعتی و تکنولوژی های نوین تولید را آنچنان دچار دگرگونی سازند که یک سیستم صنعتی جدید بر پایه به صفر رساندن استفاده از منابع تجدیدناشدنی موجود در زیرزمین و اعلام آنها به عنوان ذخائر استراتژیک جامعه بشری به وجود آید.<sup>۲</sup>

به همین خاطر قرن آینده را به اعتبار گرایش مزبور قرن بازبایی ضایعات اعلام

۱ - آدام شاف، جهان به کجا می رود، ترجمه فریدون نوایی، ص ۴۰

کرده‌اند و روندهای کنونی نیز نشان می‌دهد که این هدفگذاری چندان هم دور از دسترس نیست.

در مورد انرژی نیز بر اساس گزارش صرفه‌جویی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۸۷ انتشار یافته است کشورهای عضو این آژانس در سال ۱۹۸۵ در مقایسه با سال ۱۹۷۳ به ازاء هر واحد GDP تا ۲۰٪ کمتر انرژی مصرف کرده‌اند که این میزان نشان‌دهنده یک صرفه‌جویی کلی معادل ۱۷/۷ میلیون بشکه در روز یعنی رقمی بیشتر از کل تولید اپک در سال مزبور است. در این گزارش آمده است که صرفه‌جویی در مصرف انرژی در هر واحد GDP تا سال ۲۰۰۰ نسبت به سال ۱۹۷۳ به رقم ۳۰٪ خواهد رسید.<sup>۱</sup>

به علاوه روند اقتصادی کردن انرژی‌های تجدید شونده نیز شتاب اساسی یافته برای مثال در حالی که در سال ۱۹۵۰ قیمت یک کیلووات ساعت برق بدست آمده از انرژی خورشیدی معادل ۱۰۰۰ دلار بوده است، هزینه مزبور در حال حاضر به کمتر از ۸ سنت رسیده و تحقیقات با جدیت هر چه بیشتر در این زمینه ادامه دارد.<sup>۲</sup>

## □ (ب) جنبه‌های داخلی:

### □ (ب - ۱) وابستگی و پایه‌های لرزان درآمدهای نفتی

همانطور که گفته شد وابستگی از خصلت باز تولید خود برخوردار است. بنابراین بر اساس شواهد موجود بی‌توجهی به ضرورت کوشش در جهت استقلال در کشورهای نفت خیز عضو اپک علیرغم روندهای فوق‌الذکر موجب گشته است که سهم صادرات نفت و سایر مواد معدنی در کشورهای مزبور که در سال‌های آغازین دهه هفتاد ۵۸٪ کل درآمدهای ارزی این کشورها بوده در سال‌های پایانی دهه ۸۰ به رقم

۱ - تحلیلی از عوامل مؤثر بر تقاضای نفت، دفتر نمایندگی وزارت نفت در لندن، ص ۴

۷۲٪ برسد.<sup>۱</sup>

این مسئله با توجه به روندهای آتی پیش گفته در عرصه تحولات تقاضای انرژی از یک طرف و حوادثی که در کشورهای نفت خیز و از جمله کشور خودمان اتفاق افتاده است از طرف دیگر، اضطراری بودن رویارویی اساسی با وابستگی های روزافزون را بهتر نشان می دهد. برای مثال اگر آمار ارائه شده از سوی رئیس سابق بانک مرکزی کشورمان صحیح باشد، ایران به تدریج برای حفظ وضع موجود خود سالانه به رقمی معادل ۱۵ میلیارد دلار فقط برای جبران سرمایه های مستهلک شده نیازمند خواهد بود.<sup>۲</sup>

#### □ ب - ۲) وابستگی و ناآرامی

ثبات و آرامش در همه زمینه ها از جمله ضروری ترین بسترها برای برنامه ریزی توسعه و سازندگی است در حالی که یکی از کم یاب ترین پدیده ها در کشورهای جهان سومی همین ثبات و آرامش است. بنا به گزارش گریفین در طی فاصله سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ تنها در ۱۹ کشور جهان توسعه نیافته حدود ۴ میلیون نفر در درگیری های گوناگون کشته شده اند. همچنین از سال ۱۹۴۵ تا سال انتشار کتاب وی (سال ۱۹۸۹)، ۱۵۰ جنگ، با حدود ۲۰ میلیون تلفات به وقوع پیوسته که اغلب این جنگ ها در کشورهای مزبور صورت گرفته است.<sup>۳</sup>

اهمیت این حجم از تلفات هنگامی دقیق تر نمایان می گردد که بدانیم اغلب ناآرامی ها در مناطق شهری اتفاق افتاده و بر اساس آخرین آمارهای موجود که در کتاب گریفین مورد استفاده قرار گرفته است هنوز هم میانگین جمعیت روستایی در

۱ - اقتصاد جهانی و ... سازمان برنامه و بودجه، ص ۸۹

۲ - وی گفته است که تنها در ۱۵ ساله اخیر حدود ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در کشورمان داشته ایم

(نشریه صنعت و مطبوعات شماره ۳۸۳ تیرماه ۱۳۶۹)

کشورهای توسعه‌نیافته ۷۰/۸ درصد است.<sup>۱</sup>

در ارزیابی‌هایی که از دیدگاه جامعه‌شناختی در مورد توسعه به عمل آمده نشان داده شده است که همبستگی و همدستی وابستگی و ناآرامی یکی از مهمترین دلایل عقب‌ماندگی کشورهای ضعیف است. زیرا تأثیر و تأثر متقابل این دو عامل موجب تحمیل خصلت کوتاه مدت بودن به تقریباً تمامی تصمیمات و اقدامات می‌گردد و راه را بر هر نوع اقدام زیربنایی و تفکر درباره آینده مسدود می‌سازد.

علاوه بر صحت این مطلب، بر اساس آزمون‌های تجربی بی‌شمار در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، نظام سیاست‌گذاری کشور خودمان حداقل از سال‌های ۱۳۶۵ به بعد با تمام وجود این مسئله را در زمینه اقتصادی نیز لمس کرده است و عدم اطمینان نسبت به میزان درآمدهای نفتی از یک سو و وابستگی‌های دائماً رو به تزاید در همه فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی و مصرفی کشور از سوی دیگر، امکان یک برنامه‌ریزی اصولی و منطبق با ویژگی‌ها و اختصاصات این جامعه را به میزان بسیار زیادی از میان برده است و مادام که بی‌اعتنایی به انواع وابستگی‌ها ادامه دارد این رابطه تنگاتنگ و مسئله‌آفرین به قوت خود باقی خواهد ماند.

### □ ب - ۳) اسلام و استقلال

همه می‌دانند که ایران به دلایل ایدئولوژیکی و استراتژیکی یکی از کانون‌های توجه نظام سلطه در دوران جدید پس از جنگ سرد خواهد بود و از جنبه‌های گوناگونی قابل اثبات است که تهدیدهای کشورهای سلطه‌گر امری جدی است، تجربه جنگ تحمیلی نیز نشان داده است که اولاً تنها نقطه اتکای اساسی مادر برابر دشمنان، مردم ایران هستند و ثانیاً تنها نیروی محرکه قابل اتکاء برای انگیزش مردم و مشارکت ایشان در سرنوشت کشور خودشان، اسلام است.

بنابراین جای طرح یک سؤال اساسی در اینجا وجود دارد: سؤال این است که آیا می‌توان با توجه به چنین شرایطی به بخش‌هایی از ضوابط اسلامی عمل کرد و



بخش های دیگری را با بی اعتنایی مسکوت گذاشت؟

بر اساس موازین اقتصادی اسلام قواعدی همچون قاعده نفی سیل، قاعده حرمت تشبه به کفار و از این قبیل موازین لایتخلف ارزیابی شده اند.

آیا می توان به این گونه قواعد که بعضاً با صراحت در قرآن مجید مطرح گردیده عمل نکرد؟ و آیا می توان کماکان برنامه های توسعه طراحی کرد بدون آنکه کوشش های نظری مکفی برای خودشناسی و سلطه شناسی و مشخص کردن دقیق آسیب پذیری های کشور از نظم کنونی حاکم بر جهان صورت پذیرفته باشد؟

البته این بحث غیر از یک مبحث اساسی دیگر است که در ادبیات جامعه شناسی توسعه مطرح می شود و بر اساس آن تحلیل های بسیار قابل تأمل درباره رابطه وابستگی و مشروعیت رژیم های حاکم در کشورهای جهان سوم صورت می پذیرد<sup>۱</sup> و نشان می دهد که بی اعتنایی سیاست گزاران کشورهای توسعه نیافته نسبت به روندهای رو به گسترش وابستگی از ناحیه مردم به شدت با عکس العمل منفی روبرو گردیده است. مخصوصاً تأکید مجدد بر اهمیت این مسئله به این دلیل ضرورت دارد که بر خلاف بعضی ساده اندیشی های رایج، وابستگی، خصلتی ایستا برای یک نظام اجتماعی نداشته و مرتباً باز تولید و تعمیق می گردد.

همانطور که ملاحظه می گردد، مادام که ما با دانش اقتصاد با شیوه کنونی مبنی بر پذیرش داعیه های جهان شمولی و بیطرفی دستاوردهای آن روبرو می شویم، امکان توجه به اصلی ترین مسائل خود و نهادی نمودن کوشش های ناظر بر تحقق استقلال بسیار محدود می گردد. به علاوه از آنجایی که در عرصه مباحث توسعه، به خصوص نظریه های مدرنیستی توسعه، کوشش می شود تا عوامل محدودکننده پیشرفت اقتصادی-اجتماعی صرفاً در داخل هر کشور جستجو گردد و به عبارت دیگر مهم ترین جنبه کوشش های ایشان معطوف به تیره عوامل استعماری و نفی تأثیرات منفی کشورهای مسلط بر سرنوشت کشورهای ضعیف است، با اتکاء محض و چشم

۱- برای نمونه به فصل پنجم از کتاب جامعه شناسی توسعه نوشته یان روکس برو ترجمه دکتر مصطفی ازکیا

بسته به این موازین، ذهن طراحان برنامه‌های توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته ناخودآگاه و بی‌اختیار از موانع بیرونی توسعه و استقلال غافل مانده و جهان را همان‌گونه که شومپتر توصیف کرده بود می‌بینند و اغلب به خاطر این سهل‌انگاری و غفلت مجبور به پرداخت تاوانی سخت و گاه غیرقابل جبران می‌گردند.

بی‌شک تصمیمات و اقداماتی که بر پایه اینگونه تحلیل‌های به اصطلاح کارشناسی و با تکیه بر دو توهم بیطرف و جهان‌شمول پنداشتن تفکراتی که برای تأمین منافع خاص، آن‌هم در شرایط زمانی و مکانی خاص تئوریزه شده‌اند صورت می‌پذیرد نه تنها نمی‌تواند ما را به مسیر اصلاح وضعیت کنونی رهنمون گردد بلکه با ایجاد انواع آگاهی‌های کاذب مرتباً ما را از این مسیر دورتر خواهد ساخت.

یک توجه جزئی به این مسئله که علیرغم شعارهای انقلابی مردم در طی سال‌های مبارزه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید اساسی ایشان بر ضرورت تحقق "استقلال" در تمامی ابعاد و علیرغم تصریحات مکرر قانون اساسی مبنی بر ضرورت تمرکزکوشش‌های "دولت" و "مردم" بر حصول استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، هنوز هم پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی محافل علمی - پژوهشی کشور حتی یک کوشش علمی برجسته و قابل توجه برای تبیین ابعاد و مصادیق این آرمان در هر یک از زمینه‌های پیش‌گفته صورت نپذیرفته است، می‌تواند گویای بسیاری از نکات باشد. به علاوه این بی‌توجهی موجب گشته است که عده‌ای با "ایستا" دانستن ماهیت سلطه و وابستگی و با تکیه بر موازینی که به شکلی بسیار پیچیده‌تر در دوره قاجاریه مطرح بوده است، صرف عدم انتخاب "وکلا" و "وزرا" از سوی سفارتخانه‌های خارجی را "حجت" مستقل محض بودن ایران پندارند و به این ترتیب یک نوع رکود، خمودی و عدم حساسیت نسبت به مسئله به این مهمی را ترویج نمایند. البته تردیدی در حسن نیت اغلب این افراد نیست اما به هر حال نتیجه عملی عدم تلاش در جهت تبیین تئوریک و عملی استقلال و تزریق آسوده خیالی به جای حساسیت برای آینده کشور بسیار مخاطره‌آمیز خواهد بود.

به نظر می‌رسد که در کوتاه مدت چاره‌ای جز برانگیختن هر چه بیشتر حساسیت مردم نسبت به این مسئله و هر چه دمکراتیزه‌تر کردن فرآیند تصمیم‌گیری درباره

برنامه‌های توسعه وجود ندارد تا از طریق مشارکت دادن همه مردم در سرنوشت خود و کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی و توجه دادن برنامه‌ریزان به ریزترین مسائل واقعاً موجود ایران، اشتباهات، انحرافات و غفلت‌های تحمیل شده به واسطه انتقال علوم و تکنولوژی به شیوه کنونی، به پایین‌ترین میزان ممکن برسد. به علاوه از هم اکنون ترویج آموزش شناخت انتقادی دانش اقتصاد، در همه سطوح آموزشی ضروری است تا در راستای تصحیح شیوه کنونی آموزش علم اقتصاد، برنامه‌های لازم برای هر چه بیشتر آشنا کردن اذهان دانشجویان با واقعیت‌های اقتصادی کشورمان در افق‌های گذشته - حال و آینده طراحی گردد و مگر نه این است که گام اول برای تبیین تئوریک هر پدیده اقتصادی "مشاهده" است؟ چیزی که در چارچوب نظام کنونی آموزش اقتصاد در دوره لیسانس (۳ واحد از ۱۴۰ واحد) به شدت مورد غفلت واقع شده است.

بی‌شک ارائه مکانیزم‌های اجرایی برای تحقق این منظور، منوط به پذیرش اصل این تحلیل از سوی نهادهای مربوط و فراهم ساختن مجموعه شرایط امکانات و زمان لازم برای آن خواهد بود.

## □ فهرست منابع:

## □ الف - منابع فارسی

## الف - (۱) کتاب‌ها:

ژید - شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، انتشارات دانشگاه

تهران

یان روکس برو، جامعه‌شناسی توسعه، دکتر ازکیا

آندره گوندر فرانک، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی، سهراب

بهداد، انتشارات دانشگاه صنعتی

هری مگداف، امپریالیسم (تئوری، تاریخ جهان سوم)، هوشنگ مقتدر، انتشارات

کویر

محمد نقی‌زاده، ژاپن و سیاست‌های امنیت اقتصادی آن، انتشارات نگارش

یوکی شی فوکوتساوا، نظریه تمدن، جنگیز پهلوان، انتشارات آبی

جهان در آستانه قرن بیست و یکم، از انتشارات کلپ رم، سازمان آموزش انقلاب

اسلامی

گی‌رُشه، تغییرات اجتماعی، دکتر منصور وثوقی، نشر نی

ادوارد برمن، کنترل فرهنگ، حمید الیاسی، نشر نی

جان کنت گالبریت، کالبدشناسی قدرت، احمد شهباسا، —

مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان

برنامه

گونار میردال، تئوری اقتصادی و کشورهای کم‌رشد، غلامرضا سعیدی، انتشارات نشر

اندیشه

مجموعه نویسندگان، سرمایه‌داری در بوته نقد، علی رهنما و دیگران، —

آدام شاف، جهان به کجا می‌رود، فریدون نوایی، انتشارات آگاه

## الف - ۲) نشریات و گزارش‌ها :

اطلاعات سیاسی - اقتصادی

گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی

فصل‌نامه برنامه و توسعه

گزارش بررسی آثار سیاست‌های تثبیت و شناور ساختن نرخ برای ریال - سازمان

برنامه ۱۳۶۶

گزارش صنایع ایران و وضع موجود آن - سازمان برنامه ۱۳۶۶

گزارش پیوست قانون برنامه اول

گزارش نتایج تداوم روند وضع موجود صنایع - سازمان برنامه ۱۳۶۶ مجله کیمیا

گزارش تحلیلی از عوامل مؤثر بر تقاضای نفت - دفتر نمایندگی وزارت نفت نشریه

صنعت و مطبوعات

گزارش اقتصاد جهانی، امکانات، محدودیت‌ها و ... سازمان برنامه ۱۳۶۷

## □ ب - منابع خارجی

ب - ۱) کتاب‌ها :

- 1 - Schumpeter, Joseph - A. *Imperialism and Social Classes*, Newyork, Agustus, Mckelly
- 2 - *Strategies for Endogeneous Development*, The UNESCO Press - 1981
- 3 - *Domination or Sharing*, The UNESCO Press 1981
- 4 - Griffin, Keith. *Alternative Strategies for Economic Development* Mcmilan, 1989

## ب - ۲) نشریات :

- 1 - Scientific AMERICAN
- 2 - Foreign AFFAIRS
- 3 - Journal of Economic Perspective
- 4 - World Development



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی